



10 نوامبر 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

## اقتصاد جنگ و بحران پولی و مالی افغانستان

### از کودتای ثور تا سقوط طالبان

(بخش چهارم)

#### کوکنار - قوای محرکه ماشین جنگی طالبان:

با این حال به همان اندازه که در دوره طالبان مرکزیت اداری و رسمی بیشتر از پیش از هم پاشیده و فعالیت های دولتی در دست اشخاص متفرق گردیده بود، به همان اندازه اجرای همه امور از حالت قانونی به سمت غیرقانونی صورت میگرفت و همه معاملات بدور قاچاق مواد مخدر و قاچاق مال التجاره می چرخید. احمد رشید در کتاب فوق الذکر خود طی فصل های جداگانه مطالب مهمی در راستای قاچاق مواد مخدر و نیز قاچاق مال التجاره دارد که این دو معامله نه تنها از نظر اقتصادی، بلکه از نظر سیاسی و روابط مزید طالبان با مراجع پاکستانی و مافیای آن کشور اهمیت بسزا دارد. برای روشن شدن موضوع، اینک نکات مهم را از برخی قسمت های فصل نهم (صفحه 172 تا 188) کتاب مذکور نقل میدارم:

احمد رشید می نویسد: «تریاک، ماشین جنگی تمام جنگسالاران، خصوصاً ماشین جنگی طالبان را فعال نگهداشته است... ملا حسن والی قندهار راجع به پالیسی بی مثال خود چنین گفت: "تریاک یک ماده مضر است، اگر کشورهای جهان رژیم ما را به رسمیت بشناسد، ما تریاک را با کشت محصول دیگری تعویض میکنیم. اما چون جامعه جهانی ما را برسمیت نشناخته است، ما هم کشت و تولید تریاک را منع نموده ایم."... طالبان کشت و برداشت چرس را موفقانه ممنوع ساختند و قادر هستند که کشت کوکنار را هم توقف دهند، اما به گفته آمر انسداد قاچاق طالبان در قندهار: "چون چرس توسط افغانهای مسلمان استفاده میگردد، ما تلاش داریم جلو تولید آنرا بگیریم، ولی از تریاک و مشتقات آن کافران در غرب استفاده می نمایند، نه مسلمانها و افغانها، لذا کشت و تولید آن مجاز است، زیرا از آن دهقانان عواید زیاد بدست می آورند... جلوگیری از آن هم به دهقانان ضرر دارد و هم یک منبع بزرگ عایداتی طالبان را از بین می برد."»

«طالبان به جمع آوری مالیه اسلامی "ذکات" از تمام معامله گران تریاک آغاز کردند و برای دریافت 20% مالیه بنام ذکات هیچ اندیشه و نگرانی دینی نداشتند و ندارند... برعلاوه هر قوماندان و هر والی در منطقه کار خود اندازه مالیه خود را معین میکرد تا از آن خزانه خود را پر کند و قوای جنگی خود را راضی نگهدارد.»

احمد رشید در مورد کشت کوکنار و تریاک حاصله از آن در دوره طالبان می نگارد: «در بین سالهای 1992 و 1995 افغانستان از 2200 تن تا 2400 تن تریاک سالانه تولید نموده بود و با کشور برما [میانمار امروزی] که بزرگترین مولد تریاک خام در جهان بود، رقابت کرد. افغانستان در سال

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

1996 در حدود 2250 تن تریاک تولید نمود. مامورین پروگرام کنترل مواد مخدر امریکا گفتند که در سال 1996 تنها ولایت قندهار 120 تن تریاک از 3160 هکتار زمین که 38 کیلوگرام در هر هکتار میشود، بدست آمد در حالیکه در سال 1995 از 2460 هکتار زمین محض 79 تن تریاک یعنی 30 کیلوگرام در هر هکتار در آن ولایت بدست آمده بود. این افزایش تولید در هر هکتار در یک سال برای مولدین بسیار تشویق کننده بود. در سال 1997 که تسلط طالبان بر کابل و شمال افغانستان گسترش یافت، تولید تریاک هم در حدود 25% صعود نمود و به 2800 تن تریاک رسید...»

«به اساس تخمین سازمان ملل متحد، دهقانان کوچکتر کمتر از یک فیصد عواید تریاک را حاصل میکنند، در حدود دو نیم فیصد در جیب تجار و قاچاقبران افغان و پاکستانی ریخته میشود، پنج فیصد آن نصیب کشورهای میشود که هروئین از داخل آنها به مقصد اروپا و امریکا عبور داده میشود؛ متباقی عواید به جیب قاچاقبران و معامله گران در اروپا و امریکا تعلق میگیرد. با این عواید ناچیز در حدود یک میلیون دهقان افغان تقریباً 100 میلیون دالر از کشت و برداشت تریاک بدست می آورند که از این مبلغ در حدود 20 میلیون دالر در سال نصیب طالبان میگردد... به تخمین ملل متحد و امریکا در حدود 96% هروئین از ساحات زیر سیطره طالبان حاصل میشود.»

طالبان بر علاوه توسعه و ترویج کشت و تولید تریاک، راه های تجارت و قاچاق تریاک را بصورت قابل ملاحظه انکشاف دادند، چنانکه احمد رشید می نویسد: «هرماه چندین کاروان مسلح و مجهز با موترها لندکروز طالبان، هلمند را که 50% تریاک افغانی را تولید میدارد، به مقصد یک سفر طولانی ترک میکنند، بعضی از این کاروانها به سوی جنوب بطرف بلوچستان در بندر آبی "مکران"، برخی بطرف غرب بسوی ایران به مقصد شرق ترکیه سفر می نمایند و اما کاروانهای دیگر بطرف شمال غرب بسوی هرات و ترکمنستان رهسپار میشوند. در این میان از سال 1997 تریاک را توسط طیاره از جلال آباد و قندهار به بنادر خلیج مانند شارجه و دبی میسرانند. بزرگترین ضربه قاچاق هروئین افغانی متوجه کشورهای آسیای میانه بوده و مافیای روسی که در زمان اشغال افغانستان ایجاد گردیده بود، هروئین را از طریق شبکه خود از راه آسیای میانه به روسیه و کشورهای بالتیک و اروپا انتقال میدهند.»

احمد رشید می افزاید: «در آغاز تریاک افغانی در فابریکات و لابراتوارهای پاکستانی تصفیه میشد، اما وقتی در پاکستان علیه تولید هروئین اقدامات جدی صورت گرفت، لابراتوار های مذکور به داخل افغانستان انتقال داده شدند... پاکستان مولد عمده تریاک در دهه هشتاد بود که با تولید 800 تن تریاک در سال 70% تولید جهان را تا سال 1998 بدوش داشت. تولید تریاک پاکستان زیر جتر حمایت مشترک CIA و ISI به مجاهدین صورت میگرفت... در دوران جهاد هم کمونیستان و هم مجاهدین با استفاده از فرصت و امکانات خود در انتقال مواد مخدر اشتغال داشتند و طریقه آن بسیار ساده و سهل بود: چون سلاح و مهمات توسط خر، شتر، قاطر و کاروان موترها در داخل افغانستان انتقال می یافت، از آنطرف در راه بازگشت تریاک خام به پاکستان آورده میشد. اداره ملی لوژستیک پاکستان که وظیفه داشت تا سلاح امریکائی را از بندر کراچی به پشاور و کویته برای مجاهدین برساند، زیر تأثیر قاچاقبران هروئین قرار داشت و هروئین را برای صدور به بندر کراچی میسرانید؛ جریان انتقال هروئین در دهه هشتاد بدون کمک و اطلاع مقامات بلند پایه اردو، حکومت و آی اس آی پاکستان میسر نبود... با ظهور طالبان و افزایش قابل ملاحظه در تولید تریاک در

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

افغانستان... پاکستان از یک کشور عمده تولید کننده هروئین، بیک کشور عمده انتقال و قاچاق هروئین تبدیل شد.»

احمد رشید درباره عواید حاصله از مدرک مواد مخدر در پیشبرد جنگ در دوره طالبان می نویسد: «مالیه صادرات تریاک مبلغ بزرگ عایداتی و اقتصاد جنگ طالبان را تشکیل میدهد. در سال 1995 ادارات مربوط ملل متحد عواید سالانه صادرات مواد مخدر پاکستان - افغانستان را 50 میلیارد کلدان معادل 1.35 میلیارد دالر تخمین کردند. در سال 1998 ارزش صادرات مواد مخدر دو چند شد و به 3 میلیارد دالر افزایش یافت. عواید ناشی از مواد مخدر را طالبان برای خرید سلاح، مهمات و مواد سوخت جنگی به مصرف میرسانند. طالبان برای جنگجویان خود مواد خوراکی، لباس، معاش، وسایل ترانسپورتی و امتیازات دیگر تهیه میدارند.»

### طالبان و مافیای مال التجاره:

در پهلوی گسترش زرع کوکنار و استحصال تریاک و هروئین و نیز قاچاق آن به همدستی حلقات وسیع مافیای بین المللی یکی دیگر از منابع بزرگ عایدات امارت طالبان همانا تجارت و قاچاق مال التجاره بود که عاید آن معادل و حتی بعضاً بیشتر از مواد مخدر برای طالبان بود. احمد رشید در کتاب فوق الذکر خود که در سال 2000 به چاپ رسید، در فصل چهاردهم پس از گزارش مسائل دیگر، توجه را به موضوع مافیای قاچاق مال التجاره در دوره طالبان مبذول داشته که بعضی نکات مهم آنرا ذیلماً با اقتباس از برخی قسمت های مهم مندرج صفحات 285 تا 294 آن کتاب تقدیم میدارم:

او می نویسد: «تجارت ترانزیت افغانستان بزرگترین تجارت قاچاقی مال التجاره را در جهان تشکیل داده و شبکه وسیع آن از جانب طالبان، قاچاقچیان پاکستانی، مافیای ترانسپورت و مواد مخدر، بیروکراتها، سیاستمداران، قوای پولیس و افسران اردوی پاکستان پیش برده میشود. عواید از این مدرک قاچاق بزرگترین منبع درآمد رسمی طالبان را تشکیل میدهد که اقتصاد کشورهای همسایه افغانستان را از بنیاد تخریب میکند.»

احمد رشید می افزاید: «در محلی در بین شهرک چمن در بلوچستان و شهرک سپین بولدک در افغانستان میتوان فعالیت این تجارت غیرقانونی را بخوبی مشاهده نمود. در روز های مساعد در حدود 300 عراده لاری از این محل عبور می نمایند. دریوران پاکستانی، مامورین گمرک و افراد طالبان در حلقه های دوستانه دور هم می نشینند و تعداد بی شمار پیاله های چای را سر میکشند، درحالیکه قطار موتر های شان بخاطر عبور از سرحد نوبت میگیرند. در این محل هرکس یکدیگر را می شناسد و باهم مزاح و شوخی میکنند... اکثر موترهای باربری عظیم مرسیدس بنز و بدفورد، موترهای سرقت شده اند که با نمبر پلیت های ساختگی سیر و حرکت می نمایند و محموله های شان بدون اسناد اند. دریوران ممکن از شش سرحد بین المللی با پاسپورتهای ساختگی بدون داشتن جوازسیر قانونی گذر می کنند. بارموترها را کمره های فلم گیری جاپانی تا زیر جامه ها و چای انگلیسی، ابریشم چینی تا کمپیوتر امریکائی، تریاک و هروئین افغانی، گندم و شکر پاکستانی، کلاشنکوف اروپای شرقی و نفت ایرانی تشکیل میدهد؛ هیچ کس عوارض گمرکی و مالیه خرید و فروش نمی پردازد.»

« این تجارت آزاد بخاطر ادامه جنگهای داخلی در افغانستان، قاچاق مواد مخدر، فساد اداری و سقوط نهاد های دولتی پاکستان، ایران و جمهوریت های آسیای میانه در حوالی سرحدات با افغانستان توسعه یافته است. در عین حال تقاضای بزرگ برای اشیاء و متاع مصرفی در سر تاسر منطقه موجب شده تا با

همکاری و حمایت مافیای مواد مخدر و ترانسپورت پاکستانی و افغان، تجارت قاچاقی رونق بسیار یابد.... چنانکه کدر رهبری طالبان برای اولین بار از مافیای ترانسپورت کمکهای مالی دریافت نمود و حرکت خود را برای نجات لایزیهای متوقف شده در قندهار آغاز کرد. در شروع مافیای ترانسپورت به طالبان معاش ماهانه میدادند، زمانیکه طالبان بسوی غرب پیشروی نمودند، تقاضای پول بیشتر کردند. در ماه اپریل 1995 شاهدان عینی اظهار داشتند که طالبان در یک روز در چمن 6 میلیون روپیه و روز بعد 12 میلیون روپیه در کوئته از مافیای ترانسپورت حاصل نمودند و خود را برای اولین حمله بسوی هرات آماده ساختند. این مقدار پول بر علاوه وجهی بود که طالبان از عبور و مرور موترها از سرحد بدست می آوردند که منبع رسمی عواید شانرا تشکیل میداد.»

«با مصئون شدن راه ها، حجم و ساحه قاچاق بصورت قابل ملاحظه توسعه یافت. کاروانهای موتر از کوئته به قندهار و از آنجا بطرف جنوب به ایران و بجانب غرب به ترکمنستان و دیگر جمهوریت های آسیای میانه و حتی روسیه می رفتند. بخاطر کنترل مطلق بر تمامی طول راه بطرف غرب، مافیای کوئته فشار وارد کرد که طالبان هرات را تسخیر کنند و همین مافیا در سال 1996 طالبان را به تصرف کابل نیز تشویق کرد تا راه های شمال هم به روی شدن باز گردد. طالبان پس از تسخیر کابل از هرلاری که از پشاور به کابل می آمد، شش هزار کلدار (150 دالر) حق العبور می گرفتند (پیش از طالبان این مبلغ از 30 تا 50 هزار کلدار بود). ... با افزایش قاچاق، کدر رهبری طالبان با مافیا شریک شد و مافیا آنها را تشویق نمود تا خود شان و یا اقارب شان موتر های لاری خریداری کرده و با هم شریک در معاملات شوند.»

«درعین زمان مافیا میلیون ها جریب زمین جنگلی افغانستان را تخریب کرده و چارتراش آنرا به بازارهای پاکستان بفروش رسانیده است؛ به تحریک مافیا [و مراجع رسمی پاکستانی] فابریکه ها در افغانستان تخریب گردیده، تانک ها و موتر ها پرزه شده و حتی سیم های برق، پایه های آهنی تیلون کشیده شده و به پاکستان انتقال یافته و در فابریکه های لاهور بنام آهن داغمه بفروش رسانیده شده است. مافیا دزدان محلی را استخدام کرده تا موتر های مردم را از کراچی و شهر های دیگر پاکستان سرقت نمایند و به افغانستان انتقال دهند تا بعداً در افغانستان و یا پاکستان بفروش برسند. در سالهای 1992 تا 1998 تنها از شهر کراچی 65 هزار موتر به سرقت رفته که اکثریت آن به افغانستان برده شده و با تغییر نمبر پلیت بعضاً در پاکستان دوباره آورده شده و بفروش رسیده اند. همچنان مافیای ترانسپورت سامان و لوازم برقی را از دویی، شارجه و دیگر کشورهای خلیج قاچاق می آورند و هروئین را در بین میوه خشک افغانی در طیاره آریانا که در تصرف طالبان است، انتقال میدهند. پرواز طیاره آریانا از قندهار، کابل و جلال آباد مستقیماً به کشورهای خلیج صورت میگیرد.»

احمد رشید در پایان این فصل می نویسد: «وقتیکه طالبان مزار شریف را در سال 1998 به تصرف خود در آوردند، پاکستان اعلان پیروزی کرد و تقاضا نمود که جهان رژیم طالبان را که 80% ساحه افغانستان را در اشغال داشت، به رسمیت بشناسد و رهبری نظامی و ملکی پاکستان ادعا نمود که موفقیت طالبان، موفقیت پاکستان است و پالیسی پاکستان در مورد طالبان درست بوده و تغییر نمی خورد. پاکستان فکر میکند که نفوذ ایران بر افغانستان خاتمه یافته، روسیه و جمهوریت های آسیای میانه مجبور هستند با طالبان از طریق پاکستان معامله کنند و جهان غرب به جز قبولی تعبیر طالبان از اسلام، دیگر چاره ندارند.»

این بود شمه ای از رویداد های افغانستان در دوره طالبان که نمونه کامل یک کشور "جنگزده" را به نمایش می گذاشت، دولتی که بنام بود و در آن نه دفتر و دیوان، نه قانون و مقررات، نه حساب و حساب گیری، نه اداره و نظم موجود بود. در این اداره که اساساً مافیای مواد مخدر و مافیای مال التجاره با دست های درازمراجع رسمی حکومت پاکستان، بخصوص اداره استخبارات نظامی آن کشور از یکطرف و نفوذ عربهای افغان در درون کدر رهبری طالبان از طرف دیگر و راه اندازی جنگها جهت اشغال کامل آن سرزمین و مبدل ساختن آن به یک لانه ترور، فساد و افراط گرایی دست بدست هم داده بودند، افغانستان را به چنان مصیبت بزرگ مواجه ساختند که با بروز عواقب ناگوار آن جهان مجبور گردید در برابر آن نخست با وضع تعزیرات و اما بعد از حادثه 11/9 از طریق حمله نظامی به این اداره فاسد پایان بخشد، اما این دانه سرطانی بعد از مدتی بار دیگر سر بالا کرد و اکنون ثبات و امنیت نسبی را در افغانستان در حال برهم زدن است که باز هم دست مافیای منطقه و فراتر از آن مافیای جانی در این مصیبت شریک ماجرا میباشد.

در پایان این مبحث باید گفت که آنچه در دوره طالبان مشکل و حتی ناممکن است، دسترسی به ارقام و احصائیه ها است که متأسفانه فقدان آن مانع تحلیل و بررسی دقیق اوضاع اقتصادی در آنوقت میگردد. به هر حال اگر دوستان با چنین ارقام بطور مستند دست یابند، امید است از نشر آن دریغ نفرمایند تا کمبود های این بحث از لحاظ ارقام احصائیوی مرفوع گردد.

(ادامه دارد)

یادآوری:

مأخذ دیگری که در این موضوع در دستم رسیده، از پروفیسور "بارنت روبین" Barnett Robin است، تحت عنوان: *The Political Economy of War & Peace in Afghanistan* که این گزارش تحقیقی و عمیق را موصوف در 38 صفحه نخست برای "گروپ سویدن برای حمایت از افغانستان" بتاريخ 21 جون 1999 تهیه کرده بود و بعداً آنرا در دسترس "شورای روابط خارجی در نیویارک" قرار داد. موصوف برای تهیه این گزارش تحلیلی از منابع مختلف، از جمله کتاب "طالبان، اسلام و نفت..." احمد رشید استفاده نموده و نظر او در بسا موارد بسیار نزدیک با نظر احمد رشید میباشد. او در مورد افغانستان آثار زیاد دارد و یکی از شخصیت های وارد در مسائل افغانستان محسوب میشود.

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ